

مقدمه ۹: لزوم تصویر قدر جامع

مرحوم آخوند می نویسند:

«و منها أنه لا بد على كلا القولين من قدر جامع في البين كان هو المسمى بلفظ كذا»^۱

توضیح :

[چون وضع در الفاظ عبادات عام و موضوع له عام است و متسالم است که اشتراک لفظی در لفظ صلوة، موجود نمی باشد. یعنی چنین نیست که برای هر نماز یک وضع علی حده باشد.] باید هم صحیحی ها و هم اعمی ها، قدر جامعی را تصویر کنند که همان موضوع له الفاظ عبادات باشد و نمازهای خارجی، مصداق آن باشند [ما می گوییم: و حتی اگر وضع عام، موضوع له خاص باشد هم باز حین الوضع تصور جامع لازم است.]

ما می گوییم:

۱. طبق نظر مرحوم آخوند، باید بگوییم همانطور که لازم است قدر جامعی را در وضع لحاظ کنیم، باید قدر جامعی را هم در مقام استعمال لحاظ کنیم. و لذا اگر کسی صحیحی شد و قدر جامعی را برای صلوة صحیح لحاظ کرد. اگر چنین کسی خواست لفظ صلوة را در اعم به طور مجازی استعمال کند باید بتواند قدر جامعی را برای صلوة اعم تصویر کند. پس اگر مثل مرحوم آخوند، گفتیم بنابر اعم، نمی توان قدر جامعی را تصویر کرد. باید بپذیریم که نمی توانیم لفظ صلوة را در اعم حتی به طور مجازی استعمال کنیم.

۲. در مقابل مبنای مرحوم آخوند، مرحوم نائینی «لزوم تصویر جامع» را قبول نکرده اند:

مرحوم خوئی در تقریر کلام استادشان مرحوم نائینی می نویسد:

«لكن شيخنا الأستاذ - قده - قد خالف في المقام و ذهب إلى انه لا ضرورة تدعو إلى تصوير جامع وحداني يشترك فيه جميع الافراد، و أفاد في وجه ذلك انه يمكن الالتزام بان الموضوع له في مثل لفظ ال «صلاة» - مثلا - أولا هو المرتبة العليا الواجدة لجميع الاجزاء و الشرائط، فان «الصلاة» باعتبار مراتبها عرض عريض و لها مرتبة عليا و هي «صلاة» المختار، و لها مرتبة دنيا و هي «صلاة» الغرقى و بين الحدين متوسطات فلفظة ال «صلاة» ابتدأ موضوعة للمرتبة العليا على كلا القولين و استعمالها في غيرها من المراتب النازلة من باب الادعاء و التنزيل، أو من باب الاشتراك في الأثر فالصحيحى يدعى ان استعمال لفظ ال «صلاة» في بقية المراتب الصحيحة، اما من باب الادعاء و تنزيل الفاقد منزلة الواجد مسامحة فيما يصح فيه التنزيل، أو من باب الاشتراك في الأثر و اكتفاء الشارع به في مقام الامتثال، كما في «صلاة» الغرقى، فانه لا يمكن فيها الالتزام بالتنزيل المزبور، و الأعمى يدعى ان استعمالها في بقية مراتبها الأعم من الصحيحة و الفاسدة من باب العناية و التنزيل، أو من باب الاشتراك في الأثر فكل واحد من الأمرين موجب لجواز الاستعمال حتى في فاسد «صلاة» الغرقى من باب تنزيهه منزلة الواجد

۱. كفاية الأصول، ج ۱ ص ۲۴



منها المنزل منزلة التام الاجزاء و الشرائط من جهة الاشتراك في الأثر^۱

توضیح :

- (۱) مرحوم نائینی، قبول ندارد که باید قدر جامع واحدی را تصویر کرد که همه افراد در آن مشترک باشند.
 - (۲) ایشان دلیل می آورد:
- ممکن است صلوة برای جامع بین نمازهای صحیح و یا جامع بین نمازهای صحیح و فاسد، وضع نشده باشد بلکه لفظ صلوة وضع شده باشد برای بالاترین مرتبه نماز که همه اجزاء و شرائط را با هم دارد.
- (۳) و بعد اگر به نمازهای مرتبه پائین تر (اگرچه نمازهای صحیح هستند مثل نماز نشسته برای آدمی که مضطر است و یا نماز غرقی) و نمازهای فاسد «صلوة» گفته می شود، استعمال مجازی است.
 - (۴) بین نمازهای صحیح مرتبه پایین و نماز صحیح مرتبه بالا، علاقه مجازیه یا عبارت است از شباهت ظاهریه (تنزیل) - مثل اینکه نماز ۵ جزئی شبیه نماز تام الاجزاء است - یا عبارت است از شباهت در اثر (مثلاً اجزاء و اسقاط امر) - مثل نماز غرقی که شبیه نماز کامل و تام نیست ولی همان اثر را دارد - .
- و بین نماز های فاسد و نماز صحیح مرتبه بالا، علاقه مجازیه عبارت است از شباهت ظاهریه [ما می گوئیم: مرحوم نائینی درباره «نماز غرقی فاسد» با مشکل مواجه است ولی ظاهراً تنها راه نجات ایشان آن است که به سبک مجاز از مجاز قائل شود به این صورت که «نماز غرقی صحیح» چون هم اثر با نماز تام الاجزاء و الشرائط است، مجازاً صلوة است، و «نماز غرقی فاسد» چون شبیه نماز غرقی صحیح است، مجازاً صلوة نامیده می شود. البته مرحوم نائینی ظاهراً تلاش دارند همین تقریر را مطرح کنند و آن را سبک مجاز از مجاز ندانند.^۲ اما سخن ایشان به نظر کامل نیست. البته مرحوم کاظمینی در فوائد الاصول سعی می کنند مطلب مرحوم نائینی را چنین حل کنند که: «صلوة غرقی صحیح» اصلاً صلوة نیست ولی وقتی شارع آن را صلوة نامید، وضع ثانوی در صلوة پدید آمده است - ایشان توضیح نمی دهد وضع جدید، اشتراک لفظی است یا تغییر در موضوع له قدیم است - پس «صلوة غرقی فاسد» شبیه «صلوة غرقی صحیح» است که وضع جدید داشته است.^۳]
- (۵) پس صحیحی ها می گویند صلوة وضع شده برای فرد تام و مجازاً در افراد صحیح دیگر استعمال می شود و اعمی ها می گویند صلوة وضع شده برای فرد تام و مجازاً در افراد دیگر چه صحیح و چه فاسد استعمال می شود.

۱. محاضرات فی الاصول، ج ۱ ص ۱۴۰

۲. اجود التقريرات، ج ۱ ص ۳۶

۳. فوائد الاصول، ج ۱ ص ۶۳



[ما می گوئیم: در آنچه مرحوم نائینی مطرح کرده اند - وضع برای فرد تام - هیچ تفاوتی بین اعمی و صحیحی نیست چراکه اگر موضوع له فرد تام است، هر فردی غیر از آن - صحیحاً أم فاسداً - غیر موضوع له است و استعمال لفظ صلوة در آن مجازی است و لذا مرحوم نائینی بحث از «استعمال» را مطرح می کند و گویا می خواهد بفرماید صحیحی اصلاً لفظ صلوة را در فاسد استعمال نمی کند. و هو کما تری]

مرحوم نائینی سپس به نکته ای اشاره می کند و می نویسد:

«نعم استثنی - قده - من ذلك القصر و الإتمام، فقال انهما فی عرض واحد فلا بد من تصویر جامع

بینهما»^۱

توضیح:

مرحوم نائینی، مبنای خود را در قصر و اتمام جاری نمی داند [چراکه نماز قصر مرتبه پائین تر از نماز ۴ رکعتی نیست] و می فرماید: باید جامع بین نماز قصر و نماز اتمام تصویر کرد.

مرحوم خوئی این قسمت از مدعای استادشان را در ۳ مدعا خلاصه می کند:

«و نتیجه ما أفاده - قده - ترجع إلى أمور: (الأول): ان الموضوع له هو المرتبة العليا على كلا القولين غاية الأمر الصحیحی يدعی صحة الاستعمال فی خصوص المراتب الصحیحة بین بقية المراتب و الأعمی يدعی صحته على الإطلاق. (الثانی): أنه لا فرق فی ذلك بین العبادات و غيرها من المركبات الاختراعية. (الثالث): ان الصحیحی و الأعمی محتاج کل منهما إلى تصویر جامع بین «صلاتی» القصر و الإتمام، لیكون اللفظ موضوعاً بإزاء ذلك الجامع»^۲

توضیح:

(۱) فرمایش مرحوم نائینی به اموری باز می گردد:

(۲) اول: موضوع له صلوة، بالاترین مرتبه از صلوة است (هم بر مبنای صحیحی ها و هم بر مبنای اعمی ها) اما صحیحی ها می گویند استعمال این لفظ در نمازهای صحیح، استعمال صحیح است در حالیکه اعمی ها می گویند استعمال این لفظ هم در نمازهای صحیح و هم نمازهای فاسد، استعمال صحیح است.

(۳) دوم: در چنین نام گذاری هایی فرقی بین عبادات و مرکبات اختراعی نیست. [یعنی ماشین وضع شده برای جامع همه اجزاء و شرائط ولی در ماشین هایی هم که برخی از اجزاء را نداشته باشند استعمال لفظ ماشین، صحیح هست].

۱. محاضرات فی الاصول، ج ۱ ص ۱۴۰

۲. همان، ص ۱۴۱



۴) سوم: لازم است جامع بین قصر و اتمام لحاظ شود.

ایشان سپس بر هر یک از این امور اشکال می کند:

«أما الأول فیرده ان إطلاق ألفاظ العبادات على جميع مراتبها الدانية، و العالیة بعرضهما العریض على نسق واحد من دون لحاظ عناية فی شيء منها - مثلا - إطلاق لفظ ال «صلاة» على المرتبة العلیا، و هی «صلاة» المختار الواجدة لجميع الاجزاء و الشرائط، و على بقية المراتب ك «صلاة» المضطر و نحوه على نسق واحد بلا لحاظ عناية تنزیلها منزلة الواجد، أو اشتراكها مع المرتبة العلیا فی الأثر»^۱

توضیح :

۱) اطلاق لفظ صلوة بر نمازهای مراتب بالا و نمازهای مراتب پایین، یکسان است و چنین نیست که اطلاق در مراتب بالا حقیقی و اطلاق در مراتب پایین مجازی باشد.

۲) چراکه متشرعه در استعمالات خودشان، به تنزیل و علاقات مجازی توجه ندارند.

«و أمّا الثانی فمع الإغماض عمّا أجینا به عن الأمر الأول یرد علیه انه فرق بین المركبات الشرعیة و غیرها، و هو ان للمراتب العلیا من المركبات غیر الشرعیة حدوداً خاصة و أجزاء معینة التي لا یطراً علیها الاختلاف بالزیادة و النقیصة، و تنعدم بفقدان واحد منها، كما إذا فرض انها ذات أجزاء ثلاثة، أو أربعة، أو خمسة، أو عشرة، أو أقل، أو أزید على اختلافها باختلاف المركبات فحینئذ یمکن دعوی ان اللفظ موضوع لخصوص المراتب العلیا منها، و إطلاقه على بقية المراتب من باب الادعاء و التنزیل، أو من جهة الاشتراك فی الأثر. و هذا بخلاف العبادات، فان المراتب العلیا منها لیست لها اجزاء خاصة بحیث لا تختلف زیادة و نقیصة، فانها بأنفسها مختلفة و متشعبة من ناحية الكمية، أو کیفیة - مثلا - المرتبة العلیا من «صلاة» الصبح غیر المرتبة العلیا من «صلاة» الظهرین، و کلثاهما غیر المرتبة العلیا من «صلاة» المغرب، و کل ذلك غیر المرتبة العلیا من «صلاة» العشاء بحسب الكمية، أو کیفیة، و هی بأجمعها غیر المرتبة العلیا من «صلاة» الآیات، و «صلاة» العیدین و غیرهما. و على الجملة فلا شبهة فی أن «للصلاة» عرضاً عریضاً باعتبار أصنافها العیدة و لكل واحد من أصنافها أيضاً عرض عریض باعتبار مراتبها الطولیة، و من المعلوم أن المرتبة العلیا من کل صنف من أصنافها مبینة للمرتبة العلیا من صنف آخر، و هكذا: فالنتیجة ان المراتب العالیة أيضاً متعددة فلا بد من تصویر جامع بینها، لیكون اللفظ موضوعاً بإزاء ذلك الجامع، للقطع بانتفاء الاشتراك اللفظی.»^۲

توضیح :

۱) [امر دوم از مبانی مرحوم نائینی باطل است چراکه:] در مرکبات اختراعی، یک مرتبه علیا داریم و بس. (مثلاً مرتبه علیا در ماشین عبارت است از ۱۰۰ جزء)

۱. همان، ص ۱۴۲

۲. همان، ص ۱۴۳



۲) ولی در عبادات، یک مرتبه علیا وجود ندارد، بلکه مرتبه علیا در نماز صبح ۲ رکعت است و در نماز ظهر ۴ رکعت .. و

۳) پس در صلوة با یک مرتبه علیا مواجه نیستیم بلکه با مراتب علیا مواجه هستیم که باید بین آنها «جامع» لحاظ کنیم.

«و من هنا يظهر الجواب عن الأمر الثالث أيضاً، و هو ان الحاجة إلى تصوير الجامع فهو مما لا بد منه سواء قلنا بان الموضوع له المرتبة العليا؟ أم قلنا بأنه الجهة الجامعة بين جميع المراتب؟ و من هنا يظهر الجواب عن الأمر الثالث أيضاً، و هو ان الحاجة إلى تصوير الجامع لا تختص بالقصر و الإتمام، بل لا بد من تصويره بين جميع المراتب العالية و قد عرفت انها كثيرة و لا تنحصر بالقصر و الإتمام»^۱

توضیح :

۱) از اینکه گفتیم بین مراتب علیا باید جامع تصویر کنیم معلوم می شود که تصویر جامع تنها مختص به قصر و اتمام نیست.

جمع بندی مقدمه ۹:

حق با مرحوم آخوند است و لازم است قدر جامعی را لحاظ کرد.

